

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۸ مارچ ۲۰۲۲

"از صد چال جنگ، یکی گریز است!؟"

یکشنبه - ۰۷ حمل ۱۴۰۱ - کابل: هرچند لازم به تذکار نیست باز هم باید بنویسم که نه تنها هیچ گاهی طرفدار و هوادار "غنی احمدزی" نبوده ام و حتا کارکردن در نظامی را که می خواست به وجود آوردن در شأن خود نمی دانستم، بلکه بسیار صریح و روشن در تمام این سالها، مخالفت و دشمنی خود را نیز علیه وی ابراز داشته ام. اما این دشمنی و مخالفت، به من این اجازه را نمی دهد تا به نسبت به وی و عملکرد هایش واقع بین نباشم و به جای آن که اعمال، کردار و تفکرات منحط و ضد ملی وی را بیهراس و بیرحمانه نقد نمایم، چون تعدادی از متوهمان روز، در توهم و خیال با برچسپ کارهای نکرده بر وی، به نفی وی بپردازم. چنین برخوردی در قبال "غنی احمدزی" و یا هر مخالف و دشمن دیگری در نهایت به بی اعتباری نقد انجامیده، غیر مستقیم زمینه اعاده حیثیت طرف نقد می گردد. از مقدمه که بگذریم و به متن بر گردیم، باید بنویسم:

وقتی "غنی احمدزی" بعد از آنهمه بات و بروت و لاف و پتاق و این که تا پای مرگ از جمهوریت دفاع می کند و چیغ و فریادی که کشید، بیشرمانه و زبونانه فرار کرد و با حرف های ضد و نقیض که گویا برای حفظ جان خودش فرار کرده است و یا جهت جلوگیری از خونریزی و یا ممانعت از تخریب کشور فرار نموده است، چون اساساً از آدم گریختگی و بگیل بدم می آید و در زندگی بار ها شاهد بوده ام که توده های ما با بوندۀ بگیل و یا مرغ گریختگی و یا سگی که در حین جنگ چونگ زده بعداً فرار کرده برخورد خشونت آمیزی داشته اند، فرار "غنی احمدزی" هم هرچند برایم غیر قابل انتظار نبود، مگر سخت ناراحت ساخت.

این ناراحتی تا زمانی که در نخستین مصاحبه اش بعد از فرار از اعتماد احمقانه خودش به امریکا یاد ننموده بود، به همان قوت باقی مانده بود، مگر اعترافش را شنیدم که از خود به خاطر اعتمادش به اشغالگران انتقاد می نمود، از آن ناراحتی اندکی کاسته شد، چه با قبول این که نوکر نمی تواند بدون اجازه بادر کاری کند، نمی شد از وی انتظار دیگری داشت.

زمانی که عین حرف را از زبان "زلنسکی" دلقک گماشته شده به ریاست جمهوری در اوکراین شنیدم که او هم از اعتمادش به غرب از خود انتقاد می نمود، در عین حالی که نفرت نسبت به امپریالیسم به خاطر تنها گذاشتن نوکران خودش در قتلگاه، بیشتر از پیش شد، به گفته مردم دلم به این نوکران زرخرد نیز سوخت.

مگر وقتی دوام جنگ در اوکراین و خرابی و بربادی آن کشور را می بینم و می بینم که امپریالیسم غرب با اتخاذ یک سیاست فوق رذیلتانه و جنایتکارانه، به همان اندازه به اوکراین کمک می کنند که نه بمیرد و نه هم زنده بماند، یعنی به قیمت ویرانی اوکراین و کشته شدن هزاران تن از مردم بیگناه، تنور جنگ علیه روسیه را داغ نگه می دارد، به این فکر می افتم که به "غنی احمدزی" و فرارش حق بدهم و به حساب قدیم برایش بگویم "بچه افضل- بخوانید غنی- کمت". "خودرا تباه و بدنام کردی، مگر خانه ما را به مانند اوکراین خراب نکردی" هموطنان گرامی!

اما نباید این نکته را فراموش کرد که وقتی "غنی احمدزی" از صد چال جنگ، فرار را انتخاب کرد، در صورتی می توانست بستر برانتش را فراهم آورد، که خودش زمینه ساز ایجاد، تقویت و آمدن طالب از یک سو و خلع سلاح مردم در مقابل طالب از سوی دیگر نمی شد. آنچه باعث می گردد تا محکومیت تاریخی و ننگ ابدی را برای ابد بر پیشانی "غنی احمدزی" بکوبد، تنها فرارش از مقابل طالب نبود بلکه مهمتر از آن، از یک جانب فراهم ساختن همه جانبه آمدن و استیلای طالب بود و از طرف دیگر، پراکنده ساختن و به نابودی کشاندن آمادگی های مبارزاتی مردم علیه طالب بود که "غنی احمدزی" و باندش و جهادی ها، بسیار آگاهانه و دقیق آن را عملی نمودند. یعنی هرگاه خیانت مشترک "غنی احمدزی" و باندش و جهادی ها نمی بود و خیزش رزمجویانه مردم در ماه های قبل از حاکمیت طالب را به بیراهه "الله اکبر" نمی کشاندند و از آن طریق مجدداً همه را روانه خانه هایشان نمی کردند، مطمئناً نه تنها طالب امروز بر ما حاکمیت نمی داشت، بلکه با اتکاء به نیروی نیرومند و خلاق مردم، از ویرانی کشور نیز جلوگیری می نمودیم. هموطنان گرامی!

از آن جایی که گریز "غنی احمدزی" برای حفظ نیروی مردم نبوده، بلکه به هدف استیلای طالب صورت گرفته، نمی توانیم فرارش را یکی از صد چال جنگ بدانیم، بلکه خیانت به مردم می دانیم.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!